

نقل از کتاب
La question persane et la guerre
G. Demorgny : نوشته

ترجمه دکتر جمشید وحید
از پاریس

جواب نایب السلطنه به سپهدار



سپهدار و سردار اسعد

تهران ۵ آوریل ۱۹۱۲

از طرف نایب السلطنه ایران به سپهدار



عالی جناب

ننامه جناب عالی را دریسافت کردم این نامه بدون شك از نیت خیرخواهانه شما سرچشمه گرفته است من میخواهم فقط اشتباهات شما را گوشزد نمایم و آنها را رفع کنم .
من میگویم که شما و سردار اسعد با زور وارد تهران شده و قانون اساسی را باجرا درآورده و حکومت را بدست گرفته اید .

هیچکس نمیتواند منکر آن باشد و از آن گذشته خود بنده اولین شاهد کار شما بودم . من بیش از آنچه که باید انجام دادم . من بدون دریغ نظریات و کمک خود را در اختیار شما گذاشتم و شما با نظریه من موافقت کردید . شما کاملاً در باره پیش بینی ها برای آینده با من موافق بودید .

شما میگوئید که يك پادشاه را از کار برکنار کرده و يك پادشاه دیگر روی کار آوردید ، شما می گوئید که قانون اساسی از نو برقرار کرده و آنرا اجرا کردید . من اطمینان دارم که شما این کار را آگاهانه انجام داده اید و شما خوب میدانستید که با اجرای قانون اساسی قدرت شخصی از بین خواهد رفت و قدرت بدست مجلس و هیئت دولت مسؤل سپرده خواهد شد . مطمئناً شما نمیخواستید يك حکومت مستبد جانشین حکومت مستبد سابق نمائید .

شما از قدرت دولت خود سخن می گوئید شما بدوران حکومت خود و دستگاه اداری ناسالم ، جبار و ستمکار او اشاره میکنید ، شما راجع به مالیاتهای غیر مستقیمی که در طی حکومتتان وضع شده است سخن میگوئید .

شما میگوئید که « قدرت دولت » شما آنقدر زیاد بود که توانست مالیات روی نمک ببندد با وجود اینکه غیرقانونی بود و برخلاف خواسته مردم . شما اضافه میکنید که دریافت این مالیات تا موقعیکه کابینه شما روی کار بود ادامه داشت. در اینجا من از شما يك سؤال می کنم : جواب به این سؤال بدون تردید جوابگوی ایرادات جنابعالی به بنده خواهد بود .

شما قانوناً تمام قدرتهای حکومت را در دست داشتید . شما با سردار اسعد که عضو کابینه شما بود همکاری میکردید ولی شما اقرار میکنید که دستگاههای اداری نامرتب بودند و مالیات روی نمک غیرقانونی بود .

من خودم نیز میدانستم که این مالیات با مخالفت افکار عمومی روبرو خواهد شد و نتیجه آن خوب نخواهد بود چه قدرتی شما را مجبور میکرد که با وجود قدرت خود و بر علیه خواسته خود به گرفتن تصمیمات ضد ملی تن در دهید ؟ . اما اینرا فراموش کنیم . بعد از تمام خدمتھائی که کردید و با وجود قدرتی که در دست داشتید چه نیروئی حکومت شما را مجبور بسقوط کرد و شما را مجبور بکنساره گیری نمود ؟ چه نیروئی نگذاشت که شما جلوی اغتشاشاتی را که باعث سقوط حکومت جنابعالی و باعث ایجاد خطر برای جان شما شد بگیرد ؟

در این ایام شما نخواستید جلوی انتشار يك روزنامه را بگیرید ؟ چه نیروئی شما

را مجبور کرد که بعد از اغتشاشاتی که دستور شما ایجاد کرد از توقیف این روز نامه صرف نظر کنید .

من راجع به دومین کابینه شما سخن می گویم . در این زمان شما از کمک بنده و اعتماد اکثریت مجلس برخوردار بودید . چه نیروئی نمیگذاشت که شما جنوی هرج و مرج را در کشور بگیریید ؟

با وجودیکه من از روزهای اول باشما موافق بودم که قدرت نظامی در کشور بوجود آوریم .

چه قدرتی سبب شد که راجع باین کار اقدام نکنید ؟

چه قدرتی يك شخصیت مثل شما را که نخست وزیر بودید محکوم بگوشه گیری نمود و شما را وادار بشک پایتخت بمزم رشت کرد ؟ و موقعیکه شما از رشت بازگشته بودید و مجدداً بر سر کار آمدید چرا نتوانستید بیش از چند روزی سر کار بمانید ؟

شما قانون اساسی را خوب می شناسید ، باضافه دو مرتبه نخست وزیر بودید ، بنابراین شما خوب میدانید که نایب السلطنه حکومت نمیکند و نمیتواند مستقیماً در کار های دولت دخالت کند .

شما بودید که قدرت دولت را در دست داشتید و مسئول امور بودید . شما خوب می دانید که زیر نظر نایب السلطنه انجام وظیفه نمی کردید .

پس بنابراین شما خوب میدانید که قانون اساسی بمن اجازه مداخله در امور مربوطه بدولت را نمیدهد پس به چه اجازه ای بااستناد به چه حقوقی اجازه انتقاد از بنده را بخود میدهید ؟

قبل از اینکه بتهران بیایم آیا تلگرافی ارسال داشتم در آن از زبانهاییکه مخالفت و ضدیت احزاب با نیابت سلطنت برای کشور بوجود می آورد مفصلاً شرح ندادم ؟ آیا از زمان بازگشتم بتهران من دفعات زیادی درباره این مسئله تذکر ندادم ؟ شما آنکسی نیستید که قبل از اینکه بنده جواب سئوالهایم را دریافت دارم مرا تشویق کردید بمجاس رفته و در آنجا قسم یاد کنم .

من احتیاجی بتکرار چیزیکه بنده در این باره در سخنرانی ۴ مارس ۱۹۱۱ مرقع یا کردن سوگند گفتم ندیدم . من در آنجا مسئولینهای نایب السلطنه را یاد آوری کرده و درباره خطرهایی که حمله های ناروا بنایب السلطنه ایجاد می کند مفصلاً توضیح دادم . من نه تنها نتوانستم روی کارهای دولت اعمال نفوذ کنم بلکه اندرزهائی را نیز داده بودم که نادیده گرفته شده و یا از جهت خود منحرف شده اند .

بیاد بیاورید که در رشت یکی از شرایطی که برای بازگشت خود می گذاشتند دادن قدرت مطلق به نایب السلطنه بود .

ولی بنده طرفدار يك حکومت قوی و ملی بودم و من خواستم که قدرت مطلق که شما خواستار آن بودید به هیئت دولت داده شود و نه به مقام نایب السلطنه غیر مسئول .

با این وجود مخالفین پیشنهاد شما را و تصمیم بنده را تغییر ماهیت داده و بر خلاف حقیقت تفسیر کردند .

آنها گفتند که بر خلاف قانون اساسی بنده و جنابعالی می خواستیم قانون اساسی را لغو کرده و شوستر (Shustir) را از ریاست امور کارهای مالیه برکنار کرده و تمام خزانه دولت را در اختیار خود بگذاریم .

شما می گوئید که تمام ملت بتصمیمات بنده احترام می گذارد . من يك مستبد نیستم و دولت و قدرتهایش در دست بنده نیستند تا مردم بتصمیمات بنده احترام بگذارند . من می دانم و مطمئن هستم که اکثریت مردم به من اعتماد دارند اما متأسفم که تا بحال تمام قدرتها جلوی کار های دولت را گرفته و بجز تحریکات و اغتشاش چیز دیگری بوجود نیاورده است .

شما از وضع بد مناطق جنوب سخن میرانید ولی می دانید که بدی وضع در این منطقه قبل از آمدن بنده به تهران وجود داشت و در این زمان درجه اغتشاشات بجائی رسیده بود که هر آن امکان مداخله قدرتهای خارجی در کشور موجود بود می خواهم بدانم اشتباه در این باره از چه کسی سرزده است؟

شما می گوئید که خوانین بختیاری درهمه جا دولت مرکزی را برسمیت نشناخته و خودمختاری اعلان کرده اند اما ما بدانیم که این خوانین با همکاری شما قانون اساسی را پایه گذاری کرده اند .

آیا بیاد دارید که در موقعی که نیابت سلطنت را قبول کردم مصمص السلطنه بعد از سرنگونی حکومت شما ریاست دولت را بعهده گرفت بنابراین بنده بجز طرفداران و پایه گزاران قانون اساسی کسی دیگر را بر ریاست دولت نگماشتم .

شما ادعا دارید که قدرتهای نا منظم نظامی دولت از طبقات پست و عشایر تشکیل شده اند و آنها بجز غارت و تجاوز بکار دیگری نمیخورند . اما باید از خود سؤال کنیم که چه کسی جلو گیری از تشکیل يك قدرت نظامی منظم کرد و لشکر قدیمی را بعنوان

مردن کردن نابود ساخت .

راجع به اوضاعیکه در کرمانشاه و کردستان روی داد سخن می گوئید . هر کس می داند که این اوضاع پیش از اوضاع استرآباد رخ داده و تمام آثار و علل چنین رویداد هائی در موقع حکومت جنابعالی قابل پیش بینی بود .

دو ماه بعد از تشکیل کابینه جنابعالی بود که سالارالدوله نمایان گشت پس چه کسی و قدرتی مانع شد که شما جلوی این اغتشاشات را بگیرید ؟

راجع بوقایع آذربایجان سخن می رانید . روحیه تجزیه طلبی و اغتشاش موجود در این منطقه در ایام وضع قانون اساسی خود را آشکار ساخت . همین روحیه تجزیه طلبی بود که باعث آخرین وقایع وخیم شد .

شما راجع به تفریط و از بین رفتن پولهای دولت صحبت می کنید اما خطا کار در این باره کیست؟ همه می دانید که در روز سوم وروم بهران در روز چهارم مارس ۱۹۱۱ بوسیله پیامی از مجلس خواستم که با اوضاع مادی دولت و ملت سرو سامانی دهد . بنظر من این تنها فایده ایجاد دولت و تنها راه پیشرفت مملکت بود .

من از دولت خواستم که لیست موجودیها و مخارج دولت را تشکیل دهد . من خواهش کردم که تامل بودجه دولت را تا آنجائیکه ممکن است برقرار کرده و آنرا به بهترین وجهی اجرا کنند . من گوشزد کردم که يك کشور نمیتواند همیشه از راه غرض بودجه دولت خود را تأمین کند اما تمام نصیحتهای من فراموش شده بودند .

البته موقعیت بد امروز دفتراً بوجود نیامده . او نتیجه منطقی يك سلسله اشتباهاتی است که در طی سالهای متمادی شده است ، من خیلی متأسفم که نتایج این اشتباهات در زمان نیابت سلطنت بنده ظاهر شده اند اما متأسفانه کاری از دستم ساخته نیست . من می توانم با وجدانی راحت بگویم که هر چه از من ساخته است کردم تا چنین اوضاعی روی ندهد اما متأسفانه تمام کوششهای بنده بجائی نرسیدند .

تمام آنهائیکه ترقی و خوبی کشور را میخواستند پیش بینی میکردند که اهمال کاری دولت و ملت و دستگاه قضائی که ملت را در حالت نااهمی گذاشته و او را زیر بار سنگین مالیاتهای گوناگون خرد میکرد ایجاد نااهمی و اغتشاشات عمومی خواهد کرد . پس نباید امروز از نتایج وخیم اشتباهات گذشته تعجب کنیم .

پیام رابنده بمجلس که روز دوازدهم ماه اوت ۱۹۱۱ فرستاده شده مجدداً بخوانید . خواهید دید که چقدر درباره برقراری امنیت کشوری و ایجاد سیاست داخلی و خارجی آسایش عمومی پافشاری کرده ام .

من راجع بقبول يك خط مشی عاقلانه که موافق منافع عمومی و ملی ما است پافشاری کرده ام . من بشما نگفتم که اگر ما در قبول چنین سیاستی تمجیل نکنیم پشیمان خواهیم شد ؟ بجای آنکه صحبت‌های مصلحانه بنده را بپذیرند مخالفین و معترضین پیشنهاد مرا از راه وهدف اصلی آن دور کرده اند .

من بعنوان مثل يك اعلامیه ای را که در زیر تیتر (روابط حسنه) چاپ شده است مثل میزنم . در این جریده پیشنهاد های بنده را در گون ساخته اند تا بتوانند مرا بوضعی زنده مورد انتقاد قرار دهند . در این نشریه پیشنهاد های بنده را در باره برقراری روابط حسنه ما با قدرتهای بزرگی که با ما روابط خوب دارند دگر گون ساخته اند تا اینکه بتوانند بهتر به بنده حمله کنند . بنده نمی‌خواهم از جراید و نشریات دیگر که بیطرفی اختیار نکرده اند سخن برانم .

شما از ضعف قدرت بنده انتقاد میکنید ولی شما از چه قدرتی سخن میرانید ؟ باید بشما مجدداً گوشزد کنم که حاکمیت و قدرت شخصی درمان اساسی ما وجود ندارد ؟ من میدانم که دولت ضعیف است . ولی دولت چه کیست و چیست ؟

دولت بجز هیئتی که مجری قدرت اجراییه است چیز دیگری نیست . اگر علل ضعف او را می‌خواهید علت آنرا باید در دسته بندی و از هم گسستگی اعضا آن که همگی خود را طرفدار قانون اساسی معرفی میکنند یافت . من همیشه با این کدورت‌ها و دسته بندیها مبارزه کرده ام . لوئی چهارم در زمانهای پیش چنین می‌گفت : (کشوری یعنی من اما این فرمولها با از بین رفتن حکومت‌های مستبد و مطلقه نابود شدند بنابراین من دولت هستم و ضعف آن بنده مربوط نیست)

از این گذشته طرز تشکیلات دولت هر چه میخواهد باشد قدرت اجراییه احتیاج به لیاقت و شخصیت و قدرت دارد . دريك رژیم مشروطه قدرت دولت در اختیار دولت یعنی هیئت وزیران است و نه در اختیار شاه . این چیز است که بنده در مجلس گفتم و من برای شما و برای دولت مصمص السلطنه اختیارات و قدرتهای زیادی گرفتم . چه کسی نگذاشت که شما از این قدرتها برفع کشور استفاده کنید ؟

شما می‌گوئید که همه امیدی که ملت به من داشت از بین رفت ، ولی من در موقع یاد کردن سوگند گفتم و باز برای شما تکرار میکنم که شما نباید از بنده تنها هیچ گونه امید بهبودی وضع کشور را داشته باشید ، این از مسئولیتهای مجلس و هیئت دولت است که برای بهبودی کشور بکوشد و باید از مجلس و هیئت دولت انتظار چنین بهبودی را داشت . شما راجع به مسافرت بنده سخن می‌گوئید . من باید بشما بگویم که مسافرت بنده برای معالجه

است و بسیار کوتاه خواهد بود و پزشك چنين دستوری را بمن داده است . من يقين دارم که غيبت چند روزه من برای کشور مفيد خواهد بود زیرا برای مدت کوتاهی انتقاد های شخصی از بين خواهند رفت و از پی آنها علل اغتشاشات ناپود خواهند شد و این چیز تازه ای هست و همه می دانند که بواسطه خستگی خود و برای جلو گیری از هر گونه انتقاد بنده استعفای خود را تقدیم مجلس نمودم ولی پس از اینکه مجلس استعفای بنده را نپذیرفت و پس از مشورت های متعدد بنده مجبور به پس گرفتن استعفای خود شده و درخواست اجازه مسافرت کردم .

شما ادعا می کنید که بنمایندگی از گروه کثیری از طبقات مختلف ملت از بنده سؤال می کنید که در مدت نیابت سلطنتم چه کرده ام و در موقع مسافرت کشور را بچه کسی خواهد سپرد .

کاری که بنده انجام داده ام برای همه روشن است . من طبق قانون انجام وظیفه کرده ام و آنچه را که قانون بمن اجازه میداد عمل کرده ام . اما بقیه کارها را هیئت دولت یعنی قدرت اجرائیه که از طرف قانون برای اجرای امور مملکتی منصوب شده است انجام داده و چه در حضور و چه در غیاب عن کارهایش را انجام خواهد داد .

شما از من می پرسید آیا با وجدان راحت مسافرت خواهم کرد؟ و بچه طرف از ملت خدا حافظی خواهم کرد؟ مطمئناً من با وجدانی راحت خواهم رفت زیرا می دانم که افراد فهمیده و منصف یقین دارند که بنده هر چه از دستم برآمده برای مملکت کرده ام ولی اگر کسی در اینجا قبول نکند که بنده برای مملکت بطور صحیح انجام وظیفه کرده ام مردان سیاسی دنیا می دانند که من طبق قانون انجام وظیفه کرده در انجام وظیفه برای وطن هیچگونه اهمالی نکرده ام .

اما خدا حافظی بنده اینست که از خدای بزرگ استدعا دارم که تمام نقارها و کدورت هایی را که باعث ویرانی و برادر کشی در کشور ما شده است از بین ما دور کند و بنده قدرت دهد که بوطنم خدمت های بیشتر کنم .

من می دانم که بنده هیچ اجباری ندارم که به شما همه این چیزها را بگویم و قانوناً شما می بایستی این سؤالها را از هیئت دولت می کردید . من نامه شما را بنظر هیئت دولت رسانیدم و پیشنهاد کردم که با شما تماس گرفته و درباره کارهای مملکتی با شما مشورت کنند تا اینکه برای بهبودی وضع مملکت چاره ای بیابند . اگر شما از جانب افکار عمومی بنده را استیضاح می کنید افکار عمومی باید از دولت از قدرت اجرائیه و از وزراء چنين سؤال هایی را بکنند .

اما من تصمیم گرفتم که برای شما تمام اوضاع را شرح دهم زیرا جنابعالی علت این وقایع را در بنده و در نیابت سلطنت بنده می دانید، من فکر میکنم که با اندازه کافی بشما ثابت کرده باشم که قانوناً بنده هیچ سهمی در این وقایع ندارم ولی اگر جنابعالی یقین دارید که در صورت برکناری بنده از نیابت سلطنت اوضاع مملکت بهتر خواهد شد من موافق با شما خواهم بود .

شما اشاره به اغتشاشات و هرج و مرجهاست که استیضاح شما در افکار عمومی بوجود خواهد آورد میکنید . ولی میخواهید وضع کشور را بهبودی بخشید یا اینکه نایب السلطنه را تغییر دهید پس بنا بر این بنده هیچ نفعی در تشدید اغتشاشات و هرج مرج در کشور نمی بینم .

در آخر اگر ملت بخواهد که بنده عنان امور را در دست بگیرم و یک دیکتاتور و یا یک دولت مستبد بوجود آورم من آنرا بر خلاف قانون اساسی دانسته و بعنوان یک خیانت بقسمی که یاد کرده ام میدانم بنابراین برای بنده امکان قبول چنین کاری وجود ندارد .

من بنام قانون اساسی انتخاب شده ام . اگر بقانون اساسی دست یازم چه کسی وجه حقوقی بمن اجازه میدهد که در پست نیابت سلطنت بمانم ؟ و چگونه شما که پایه گذار قانون اساسی هستید می توانید چنین پیشنهادی را ببنده بکنید ؟

من آرزو میکنم که شما با هیئت دولت همکاری خواهید کرد و با وزراء برای بهبود بخشیدن بوضع مملکت همگام خواهید شد . من امیدوارم شما پایه گزار قانون اساسی هستید و صالح هستید برای حل مسائل کنونی مملکت و اشکالی در پیش نخواهد داشت .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

